

۱۴۰۱

فصلنامه علمی اجتماعی ایران  
شماره دوم از رادماه ۱۴۰۲ | مجوز: ۱۴۰۱۶۵۷

# آرمان‌شمار

۱۰ مهارت شغلی مورد نیاز در سال ۲۰۲۵

خون دل‌ها

ناامیدان آینده‌ساز

ایده؟ فاقد اهمیت!

توکل و خودباوری ک

سبب حل مشکلات

بانکداری نوین در عصر

رهوش مصنوعی

روایتی از رستم‌های دست

ان اقتصاد این مرز و بوم





## سخن مدیر مسئول

محمد مسعود رضانی

هوالحق

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتم؟ روزها در پی هم می‌آیند و می‌روند و دارد کمی دیر می‌شود. دیر از چه نظر؟ از این بابت که نقش ما چیست؟ چه کاری از ما بر می‌آید؟ به قول ژاپنی‌ها یکیگای آ ما چیست؟ کدام قطعه از پازل هستی ایم؟ کدام صفحه از کتاب طبیعت هستیم؟ شاید جواب این سوالات منحصر به فرد باشد و هر کسی باید به درون و اطراف خودش بنگرد تا پاسخ مناسبی به این سوال‌ها بدهد. اما وجه اشتراک بزرگی در میان ماست. هر نقطه‌ای از زندگی را که نگاه کنیم و هر موقعیتی برای آینده خود متصور شویم یک جایی هست که قلب‌مان برایش می‌تپد. ایران! کمتر کسی پیدا می‌شود که حسی به آن نداشته باشد. ما همه فارغ از رنگ‌ها و قومیت‌ها، در یک کلمه مشترک‌ایم و آن **ایران** است. شاید از شرایط حال حاضر به طور کامل رضایت نداشته باشیم ولی پیشرفت و بهروزی کشور عزیزمان را می‌خواهیم. دیدگاه و آرزوی ما رسیدن به قله‌های موفقیت

است. دغدغه اصلی و مسئله محوری ما ایران است. ایران مسئله مورد اهمیت ماست و نمی‌توانیم نادیده‌اش بگیریم. اما چرا ۶۲۶؟ یکی از راه‌های به قله رسیدن هر کشور، تولید قوی داشتن است. این که بتواند وسایل و اقلام مورد نیاز خودش را تولید کند. هر محصولی که تولید می‌شود، دارای بارکد و شماره مخصوصی می‌باشد. شمار کد جی‌اس‌۱ (GS1) که در بارکدها به کار می‌رود، بر اساس شاخصه‌هایی مقرر می‌گردد. این شماره از رقم‌هایی تشکیل می‌شود که هر کدام معنای خاص خودش را دارد. سه رقم اول این بارکد، نشان از کشور تولیدکننده دارد. این سه رقم در تولیدات ساخت ایران، ۶۲۶ می‌باشد. پس محوری مسئله ما شد ایران ۶۲۶! به امید روزی که تمام محصولات مورد استفاده ما با ۶۲۶ شروع شود...

پ.ن:۱: مولانا-دیوان شمس-غزلیات-غزل ۵۴

پ.ن:۲: Ikigai

پ.ن:۳: انجمن بین‌المللی غیرانتفاعی برای توسعه و وضع استانداردهای بین‌المللی

## توکل و خودباوری کلید حل مشکلات

امیرمحمد حسینی کارشناسی مهندسی شیمی ۱۳۹۸

در اسفندماه ۱۴۰۱ یک خبر بزرگ میان گرانی نامطلوب ارز گم شد، آن‌هم بهره‌برداری از فاز ۱۴ پارس جنوبی بود. این فاز آخرین فاز پارس جنوبی در خشکی است که احداث آن از سال ۱۳۸۹ شروع و مدت زمان ۵.۲ برای تکمیل آن پیش‌بینی شد. بخش فراساحلی آن به دلیل اولویت در برداشت در قسمت آبی است در همان ابتدای امر احداث و بهره‌برداری آغاز شد. اما در بخش خشکی به دلیل تحریم‌های موجود به مشکل برخورد و تا امسال به تعویق افتاد.

اما در دولت سیزدهم با اتکا به خودباوری و توکل آخرین فاز پارس جنوبی به بهره‌برداری رسید تا پرونده‌ی پالایشگاه‌های بخش خشکی این میدان بسته شود. قرارداد توسعه فاز ۱۴ پارس جنوبی میان شرکت نفت و گاز پارس به‌عنوان کارفرما و کنسرسیومی متشکل از مینا، شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی، شرکت ملی حفاری، شرکت پائندان، شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی ایران، ایزوایکو، ماشین‌سازی اراک و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) به‌عنوان لیدر کنسرسیوم در سال ۱۳۸۹ عقد شد. سه شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران (IOEC)، شرکت مجتمع کشتی‌سازی و صنایع فراساحل ایران (ISOICO) و شرکت ملی حفاری ایران پیمانکاران بخش فراساحل و شرکت‌های مدیریت طرح‌های صنعتی ایران (IPMI)، مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران (MAPNA) شرکت پائندان (PAYANDAN) و ماشین‌سازی اراک از جمله پیمانکاران بخش خشکی به شمار می‌روند. ۷۰ درصد تجهیزات استفاده شده در این فاز ایرانی بوده و ایرانی‌ترین فاز لقب گرفته است.

این نکته حائز اهمیت است که با تکمیل این طرح پایداری پالایش گاز زمستانی بهبود یافت. از



اهداف کلی این طرح می‌توان به استخراج و پالایش روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز شهری و تحویل گاز شیرین به شبکه سراسری، تولید روزانه ۷۵ هزار بشکه میعانات گازی، تولید سالانه یک میلیون تن گازمایع ال.پی.جی، تولید سالانه یک میلیون تن اتان به منظور تأمین خوراک واحدهای پتروشیمی و تولید روزانه ۴۰۰ تن گوگرد اشاره کرد که ارزش این محصولات سالانه ۵.۳ میلیون دلار برآورد می‌شود.

اعتبار اجرای مگا پروژه فاز ۱۴ پارس جنوبی برای حفاری، ساخت و نصب سکوها دریایی، تأمین و اجرای خطوط لوله دریایی و تأسیسات دریایی برابر با ۵.۲ میلیارد دلار بود. برای ساخت این پالایشگاه در مساحت ۱۷۰ هکتار ۴۰ هزار تن سازه فلزی به کار رفته و ۶ هزار کیلومتر کابل‌اندازی انجام شده که این مقدار کابل برابر مسافت ایران تا کشور آلمان است. همچنین ۳ میلیون اینچ‌قطر لوله‌کشی برای ساخت این پالایشگاه انجام شده است. بتن‌ریزی انجام‌شده برای این سازه عظیم نیز ۶ برابر سازه بتنی برج میلاد تهران و معادل ۳۶۰ هزار مترمکعب بوده است.

با تمام این توضیحات که بخش کوچکی از این مگا پروژه صنعتی و حیاتی را توضیح می‌دهد این را می‌شود درک کرد و به طور قطع فهمید رمز موفقیت تکیه بر این جوانان این مرز و بوم است که سد تحریم را می‌شکنند و همچنین پروژه‌ای که سال‌ها با کندی پیش رفت را تکمیل و به بهره‌برداری برسانند و طراز منفی گاز در سال ۱۴۰۰ را بهبود ببخشند. با تکیه بر همین جوانان تمامی مشکلات بر طرف خواهد شد. این طرح عظیم مشت نمونه خروار بود.



## سخن سردبیر

زینب آقایی

می‌تواند باز شود! این ما هستیم که باید راه روشن ایران قوی را با جدیت دنبال کنیم... موتور حرکت‌مان را روشن و به دنبال افق بلند پیش رویمان برویم؛ پیشران حرکت آرمان‌خواهی است [یعنی همان نگاه به افق‌های دور که اگر نباشد حرکت امکان ندارد]. عقلانیت فرمان موتور است و امید سوخت آن، اگر امید نباشد این موتور حرکت نمی‌کند، آرمان‌خواهی در دلش می‌ماند و غصه‌اش را می‌خورد! اما امید به چه؟ بن‌بستی که ما برای خود و کشور انگاشته‌ایم نه تنها سد راه خودمان شده بلکه به دیگران هم می‌گوییم اینجا خبری نیست و هر چه خبر است جای دیگری است. و اما شاید وقتش رسیده باشد که کمی بن‌بست انگاری را کنار گذاشته و با واقع‌بینی به واقعیت‌های وضع‌مان نگاه کنیم و کمی تفکر کنیم...

«اگر درمملکتی هستی که تماشای تاریک است، این نشان می‌دهد که تو یک چراغ

هم روشن نکردی!»

از مسئله گفتیم و گفتیم نقطه شروع‌مان، حول مسئله بایستی باشد اما از کجا به کجا می‌رویم؟ این همه دوییدن‌ها، خندیدن‌ها، نشستن و برخاستن‌ها، حرف‌زدن و فریادها در دانشگاه قرار است کارمان را به کجا برساند؟ اصلاً لحظه‌ای صبر کنیم، بنشینیم و فکر کنیم «ما» چه کسی است و می‌خواهد به کجا برسد؟ به چه امید بسته است؟ وقتی می‌گوییم دانشجو عنوان «دانشجو» یک سلسله‌عناوین را در ذهن ما متبادر می‌نماید! دانش‌طلبی، مطالبه‌گری، آرمان‌خواهی، جوان بودن، پرتحرک بودن، نوظللی، مقابله با بی‌عدالتی و... اما آیا همه‌ی این‌ها ما هستیم؟ یا عده‌ای به ظاهر جوان و پیر در دل که صبحگاه تا شب عصای نایبایی خود را به در و دیوار دانشگاه می‌زنیم و از این کلاس به آن کلاس می‌رویم و غر می‌زنیم که این چه وضعیت مملکت است؟ دریغ ازین که لحظه‌ای فکر کنیم ما کدام نقطه‌ی این وضعیت ایستاده‌ایم؟

موضوع، مسئله و مشکلات در ایران قوی‌مان فراوان است و چراغ‌های ذهن‌مان را خاموش کرده‌ایم که نشنویم و نبینیم گره‌هایی که به دست ما دانشجویان



## ۱۰ مهارت شغلی آینده تا سال ۲۰۲۵

زهرا سلطانی مهندسی برق ۱۳۹۹

پیش بینی شده است که تا سال ۲۰۲۵، ساعت کار انسان ها و ماشین ها برابر خواهد! که این نشان دهنده تاثیر زیاد اتوماسیون<sup>۱</sup> است.

اتوماسیون، دیجیتالی شدن، پیشرفت و تغییر زیاد تکنولوژی، باعث پیدایش شغل های جدید شده اند. به ویژه شغل هایی در حیطه آنالیز داده ها، اتوماسیون فرآیند و امنیت اطلاعات. در مقابل، نقش شغل هایی مرتبط با ورود داده، مونتاژ، کار در کارخانه و انبارداری کم رنگ خواهد شد و فرآیندهای خودکار جایگزین آنها می شود.

در حالیکه از دست دادن برخی مشاغل ممکن است نگران کننده به نظر برسد، اما ناامید نشوید!

اگر تحصیلات و حرفه ای دارید که تحت تاثیر اتوماسیون قرار دارد، مهارت های زیادی وجود دارد که با مهارت آموزی می توانید روی آنها کار کنید و به روز باشید!

۱. تفکر تحلیلی و نوآوری (Analytical thinking and innovation)

در دنیای پیچیده امروزی، توانایی تفکر تحلیلی بسیار مهم است. هرگز برای ما انسان ها دیر نیست تا یاد بگیریم چالش ها را تحلیل کنیم. همه افراد به طور طبیعی از تفکر تحلیلی برخوردار نیستند. اما خبر خوب این است که می توانید آن را در برنامه یادگیری خود بگنجانید تا به همه کارمندان خود نیز سود برسانید.

۲. یادگیری فعال و استراتژی های یادگیری (Active learning and learning strategies)

ممکن است تعجب آور باشد که «یادگیری چگونه یادگرفتن» یکی از موارد است! اما ارائه یک برنامه یادگیری صرفا برای مطمئن شدن از اینکه افراد واقعا یاد می گیرند، کافی نیست. بلکه تشویق کارمندان به پرسیدن سؤالات، به اشتراک گذاری دانش و همکاری در پروژه ها از جمله موارد یادگیری فعال است.

۳. حل مسئله پیچیده (Complex problem solving)

مشکلاتی که در محل کار با آنها مواجه می شویم، روز به روز در حال پیچیده شدن هستند. توانایی حل کردن چالش های سخت در سال های آینده مهم تر می شود.

یادگیری مبتنی بر بازی (Gamification) یک راه عالی برای کمک به افراد است که مهارت های حل مسئله را بهبود دهند و در مورد چالش هایی که هر روز با آنها رو به رو می شوند، متفاوت فکر کنند.

۴. تفکر انتقادی و آنالیز (Critical thinking and analysis)

مهارت تفکر انتقادی برای همه افراد و در هر شغلی ارزشمند است. تفکر انتقادی به معنی جمع آوری اطلاعات از مکان های مختلف و تفکر واضح و منطقی در مورد مشکلاتی است که ممکن است با آنها رو به رو شوید. یک کامپیوتر فقط می تواند تا این حد پیش برود- اما اغلب اوقات برای درک عمیق چالش های خود به تفکر انتقادی و تحلیل انسان نیاز دارید.

۵. خلاقیت، اصالت و ابتکار (Creativity, originality and initiative)

خلاقیت بسیار دشوار است. کامپیوترها هم می توانند خلاق باشند (حتی می توانند مقاله های قابل قبولی بنویسند!) اما نمی توانند تفاوت های ظریف یا ارزش های ناملموس مانند نام تجاری، لحن یا رویکردهای خاص را درک کنند.

خلاقیت و اصالت همیشه برای کارکنان باارزش خواهد بود. بنابراین این مهارت ها باید تقویت شوند تا در سال های آینده به کار آیند.

۶. رهبری و نفوذ اجتماعی (Leadership and social influence)

شما می توانید در رسانه های اجتماعی فالوور بخرید اما این به معنی نفوذ اجتماعی نیست! نفوذ اجتماعی واقعی از ایجاد شهرت و روابط در طول زمان ناشی می شود. البته که کار آسانی نیست اما هنگامی که این اعتبار را بدست آوردید، ابزاری ارزشمند برای شما به حساب می آید. این امر برای رهبری نیز صدق می کند. مورد احترام واقع شدن به عنوان یک رهبر، با صرف زمان و تلاش، مقدار مناسبی کاریزما و روابط اجتماعی بدست می آید.

۷. استفاده از تکنولوژی، نظارت و کنترل (Technology use, monitoring and control)

جای تعجب نیست که آشنایی کارکنان آینده با تکنولوژی ضروری

است. درک تکنولوژی، نحوه به کار بردن آن و انتقال آن به دیگران برای همه بخش ها حیاتی خواهد بود. همچنین توانایی نظارت بر استفاده از تکنولوژی در سازمان نیز مهم است.

۸. طراحی تکنولوژی و برنامه نویسی (Technologys design and programming)

تکنولوژی امروزی به صورت تصاعدی در حال پیشرفت است. و بسیار مهم است که افراد بتوانند آن را کارآمد کنند. با طراحی تکنولوژی و برنامه نویسی می توانید راه حل های تکنولوژی را مطابق با نیاز خود تنظیم کنید و یا حتی راه حل های خود را ارائه دهید.

۹. انعطاف پذیری و تحمل استرس (Resilience, stress tolerance and flexibility)

اتفاقات سال ۲۰۲۰، نیاز به انعطاف پذیری در محیط کار را آشکار کرد. حفظ آرامش در شرایط سخت و غلبه بر استرس امری لازم است. پس باید برنامه هایی برای کارکنان در نظر گرفته شود تا در سال های آینده، انعطاف پذیری لازم را داشته باشند.

۱۰. استدلال، حل مسئله و ایده پردازی

محیط کار دائما در حال تغییر است و کارکنان به مهارت هایی برای خلق ایده ها و ارزیابی چگونگی پیشرفت در شرایط سخت نیاز دارند. یکی از راه های بهبود مهارت ایده پردازی، کارگاه های بارش فکری (Brainstorming) به منظور ارائه ایده ها برای بهبود فرآیندها و رویکردها است.

سپس بقیه کارمندان می توانند ایده های همکاران خود را گسترش دهند یا ایده ها را اصلاح کنند تا قابل اجرا باشند.

لازم به ذکر است که گرچه یادگیری این مهارت ها در دسترس است اما افراد نیاز به زمان و بودجه کافی دارند تا بتوانند مهارت های جدید بیاموزند و یا آنها را ارتقا دهند.

پ.ن.۱. اتوماسیون یا خودکارسازی معمولا به فرآیند قادرسازی ماشین ها برای انجام عملیاتی بدون دخالت انسان یا دخالت کم گفته می شود.

منابع:

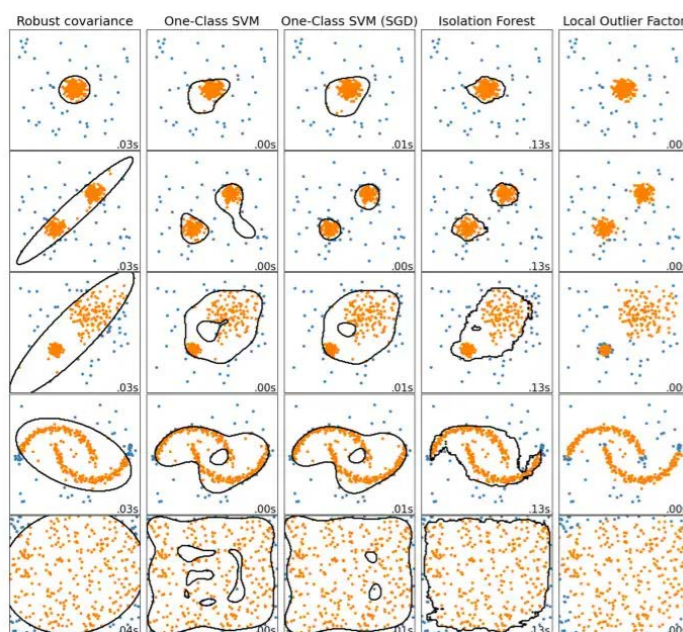


بررسی چندین فاکتور مختلف مثل تعداد تراکنش‌های فرد، میزان پول جابه‌جا شده، حساب‌های مقصد و ... تشخیص می‌دهد که آیا فردی مشکوک به فساد مالی محسوب می‌شود یا خیر و آنها را به ناظر گزارش می‌دهد.

۳. در موارد خاص و پیشرفته‌تر نیز پول‌شویی از روش‌های پیچیده‌تر مانند ریزریز کردن مبلغ انتقال یافته و انتقال پول از طریق حساب‌های مختلف به یک حساب مقصد اتفاق می‌افتد. اینجا علاوه بر روش‌های معمول یادگیری ماشین، به روش‌های مبتنی بر گراف نیز نیاز است تا بتوان فساد را تشخیص داد. هر جابه‌جایی پول از تراکنش مبدأ تا تراکنش مقصد رصد می‌شود و طبیعی یا غیر طبیعی بودن آن بر این اساس بررسی می‌شود.

استفاده از روش‌های نوین و سیستم‌های نظارتی مبتنی بر آنها، می‌تواند از حجم زیادی پول‌شویی و دست‌برد جلوگیری کند. البته که ساخت این سیستم‌ها نیازمند دسترسی به میزان زیادی از اطلاعات دارد. در سیستم‌های یادگیری ماشین هرچه قدر داده‌های بیشتری داشته باشیم، درصد خطای سیستم پایین‌تر می‌آید. طراحی این سامانه‌ها همچنین نیازمند گرفتن مجوزهای قانونی از سوی قانون‌گذاران است تا بتوان با استفاده از اطلاعات موجود سامانه‌ای با توانایی نظارتی بالا برای تشخیص فساد و پول‌شویی ایجاد کرد. هوش مصنوعی تقریباً در همه‌جا کاربرد دارد، حتی بانک‌داری...

لینک خبر مربوط به جریمه بانک ABN Amro: Regional Report – Netherlands: One of country's largest banks, ABN Amro, pays million penalty for longstanding ۶۰۰\$ nearly AML failings, lax risk ranking, missed reports (on suspicious activity) (acfcs.org)

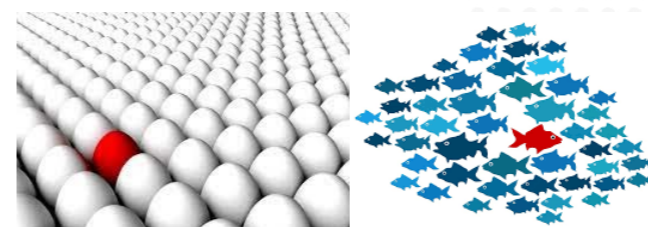


## بانک‌داری نوین در عصر هوش مصنوعی

سیدمحمد نقیعی کارشناسی آمار ۹۸



وربتم‌های- (anomaly detection) یا تشخیص موارد غیر طبیعی وجود دارد که در جاهای مختلف از جمله واحدهای کنترل کیفیت در صنایع کاربرد دارد.



به طور کلی سه نوع از anomaly وجود دارد:

۱. موارد غیر طبیعی از نوع رفتاری هستند. برای مثال فردی که تعداد غیرطبیعی از تراکنش را در روز دارد و حجم زیادی از پول در حساب او وارد و خارج می‌شود. موارد غیرطبیعی از نوع نقطه‌ای هستند و به وضوح می‌توان تشخیص داد که مشکلی وجود دارد. برای مثال کسی حجم زیادی از پول را از حساب خود جابه‌جا می‌کند. یا به شکل پیشرفته‌تر و حرفه‌ای مثل جابه‌جایی پول در حساب‌های مختلف برای خارج کردن پول صورت می‌گیرد.

اگر فردی میزان جابه‌جایی پول زیادی داشته باشد یا تغییر چشم‌گیری در دارایی‌های تحت مالکیت آن رخ دهد، احتمال زیاد یک خرید گران قیمت مثل خانه یا ماشین و ... داشته است که برای آنها اسناد و مدارکی وجود دارد که می‌تواند ارائه دهد. یا اینکه جابه‌جایی پول مشکوکی رخ داده است که نیازمند بررسی است. این نوع از پول‌شویی معمول‌ترین و ساده‌ترین روشی است که انجام می‌شود و تشخیص و جلوگیری از آن حتی توسط انسان نیز ساده است.

۲. بسیاری از موارد، پول‌شویی به صورت اجمالی و در یک جابه‌جایی صورت نمی‌گیرد. مجرم سرمایه خود را به چندین قطعه تقسیم می‌کند تا به شکل مبالغ کوچک‌تر خارج کند. در این موقعیت اکثریت ناظرهای انسانی و روش‌هایی که برای تشخیص حجم زیاد جابه‌جایی طراحی شده‌اند توان تشخیص پول‌شویی را ندارند. اینجاست که روش‌های پیشرفته‌تر که به طور معمول از طریق انسان قابل اجرا نیست وارد میدان می‌شود. اینجا برنامه کامپیوتری طراحی شده با

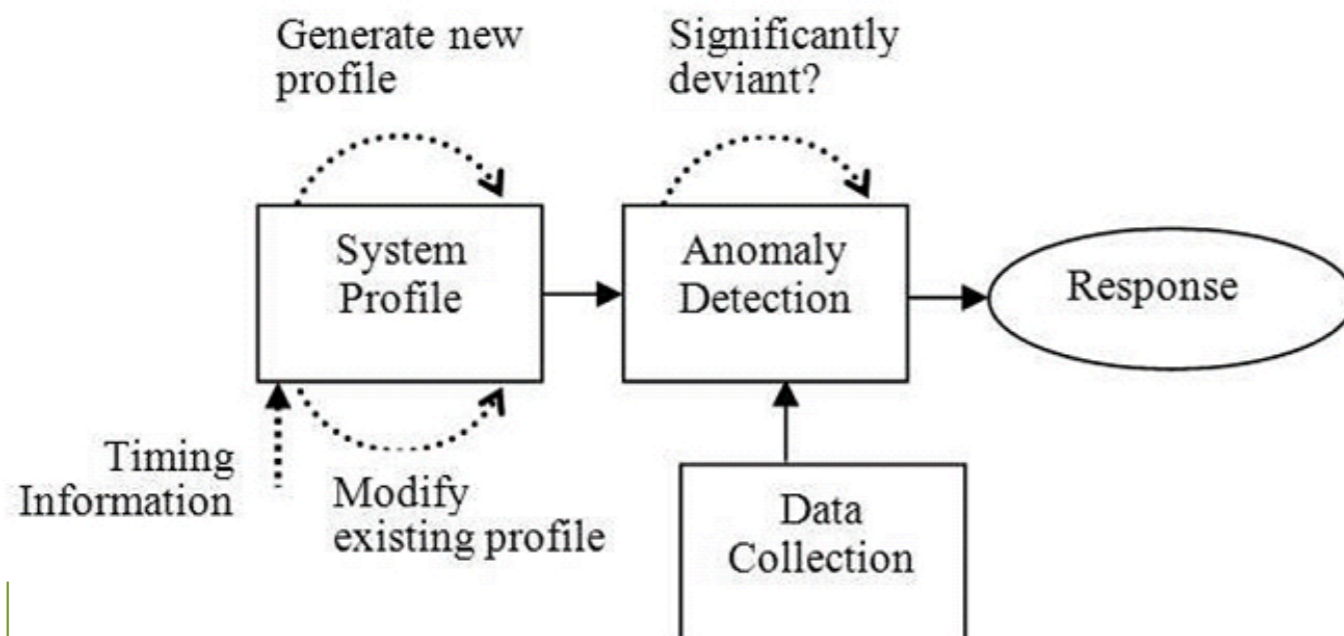
پیشرفت تکنولوژی و توسعه فناوری‌های نوین باعث تغییر در بسیاری از جنبه‌های زندگی ما شده است. از سیستم حمل و نقل عمومی تا روش‌های تدریس و حتی روابط اجتماعی روزمره میان افراد، تحت تاثیر این تغییرات قرار گرفته است. دنیای اقتصاد و بانک‌داری نیز یکی از موضوعاتی است که در قرن اخیر میلادی تغییرات زیادی را تجربه کرده است. بسیاری از تبادلات مالی از طریق روش‌های الکترونیک و از طریق شبکه بانکی صورت می‌گیرد و اسکناس تبدیل به یک روش سنتی در عصر تکنولوژی شده است.

شاید برای برخی سوال شده باشد که چرا اخبار مربوط به اختلاس و پول‌شویی را از اروپا نمی‌شنویم و در رسانه‌ها چنین موضوعاتی شنیده نمی‌شود؟ آیا مردم اروپا همه چشم و دل سیر شده‌اند و تمام روز در حال تلاش و تکاپو برای کسب روزی حلال هستند؟ جواب این سوالات هدف این متن است.

در اتحادیه اروپا موضوع مبارزه با پول‌شویی و فساد بانکی جزو وظایف بانک‌هاست و بانک‌ها موظف هستند سالیانه مبلغی را برای سیستم‌های مبارزه با پول‌شویی خود سرمایه‌گذاری کنند. اگر فردی با دارایی خود در اتحادیه اروپا اقدام به پول‌شویی کند، تشخیص آن فرد وظیفه بانک است و اگر نتواند از این موضوع جلوگیری کند، بانک جریمه سنگینی را بابت این موضوع بایستی پرداخت کند. نمونه‌ای از این موارد بانک

ABN Amro در کشور هلند است که در سال ۲۰۲۰ مبلغ ۶۰۰ میلیون یورو بابت مسئله پول‌شویی جریمه شده است. وجود این قوانین و جریمه‌های سنگینی که بابت این موضوع

به بانک‌ها تحمیل می‌شود، باعث شده است که بانک‌ها به فکر سرمایه‌گذاری در زمینه مبارزه با پول‌شویی بیفتند و سیستم‌هایی برای نظارت مستقیم بر شبکه مالی خود داشته باشند. بررسی تمام حساب‌های بانکی به طور مداوم از نظر فنی شدنی نیست و احتمال اشتباه را نیز به شدت بالا می‌برد. این‌جاست که سیستم‌های نظارتی نوین و تکنولوژی‌های پیشرفته وارد عرصه می‌شود. در هوش مصنوعی و یادگیری ماشین روش‌هایی تحت عنوان الگ





## ز خون دل‌ها

زینب یوسفی کارشناسی فیزیک ۱۳۹۹

اینجا سخن از ماست؛ در این راه او از آن‌ها سخن می‌گوید؛ ولی من می‌گویم اینجا سرزمین ماست؛ خانه‌ی ماست؛ ما باید از خودمان شروع کنیم؛ می‌گوید مسئولین باید دست به کار شوند عزم و اراده‌ی بالا دستی‌ها را می‌طلبید؛ من می‌گویم به چیزی که برای ایران است نمی‌شود بی‌توجه بود و چشم انتظار بقیه بود. اما مشکل آنجا بود که اثباتی برای حرف‌هایم نداشتیم؛ به دنبال سندی آشکار برای نشان دادن حرف‌هایم بودم. اغتشاشات اخیر؛ یأس و ناامیدی را به جامعه ایران تزریق کرد؛ در این ناامیدی سخن امام راهگشای ماست، پس اول از همه سراغ کاربلدها رفتیم؛ به سخنی از امام شهیدان که کلید شروع این سلسله یادداشت است برخورد کردم؛ باید بیدار شویم؛ برویم صنایع پیشرفته خودمان را بسازیم؛ یأس از جنود ابلیس است یعنی شیطان‌ها انسان‌ها را به یأس وامی‌دارند همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف گفته‌اند تا آن‌ها را از حرکت بازدارند.

چالش‌های درونی ما که یأس را می‌سازد این‌هاست: سرگرم شدن به اختلافات؛ از دست‌دادن انسجام؛ بی‌روحیه و تنبلی؛ دچار شدن به کم‌کاری؛ تصور اینکه ما نمی‌توانیم و تا به الان هم نتوانسته‌ایم. با عزم جزم؛ مدیریت جهادی؛ می‌توان طلوع درخشان خورشید موفقیت را در گرگ و میش ناامیدی مشاهده کرد؛ پس شروع کردیم به دست چینی خاطرات این ۴۰ سال؛ تا کالبد شکافی کنیم گوشه‌ای از دستاوردها و پیشرفت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را؛ بگوییم از چه راهی آمده‌ایم؛ کجا ایستادیم؛ و به کدام سو باید برویم؛ برای برداشتن قدم‌های استوار در آینده؛ باید گذشته را درست شناخت؛ و از آن درس گرفت؛ در غیر این صورت دروغ جای حقیقت را می‌گیرد و آینده هدف

## ز ناامیدان آینده‌ساز

فاطمه اصغری کارشناسی فیزیک ۱۴۰۰

مشکل ما این است که گمان می‌کنیم چاره‌ای غیر از ادامه‌دادن خواهیم داشت، راه فراری برای اسارت، دلیل قابل توجهی برای اشتباهات و هرچیز توجیه‌پذیری برای هر کار غیر متعارفی که انجام می‌دهیم، خواهیم یافت، اما خواهیم دید که تمام عمر را به دنبال پیدا کردن آن راه، آن دلیل و آن استدلال هستیم که اگر فلان‌جا فلان کار را انجام دادیم، به فلان دلیل، به سرانجام نرسید و یا به سه جواب همیشگی می‌رسیم که سبیل مورد نظر دور است، یا دیر و یا سخت، اما باید از ابتدا کسی می‌بود که می‌گفت امیدواری داشتن، نه تنها تو را نمی‌رساند، بلکه منحرفت خواهد کرد، به جایی می‌رساند که پس از لیخند زدن‌های مکرر و چشم‌پسته راه رفتن، خودت را میان خس و خاشاکی می‌بینی که پارچه‌ی سیاهی بدست داری که گفته‌اند طلایی است؛ چیزهایی که روانشناسان زردنویس در ذهن این و آن می‌چپانند و این و آن توقعی دارند که بدون تلاش و پشتکار، به نتیجه‌ی مطلوبی برسند که دیگری با هزاران مشقت آن را بدست آورده است، این تصور کردن موفقیت، بدون ادامه دادن مسئولیتی که در قبالت ایجاد می‌شود، تنها برای عده‌ای قابل استفاده خواهد بود، اما به آن دلیل که ما را به پاداش ذهنی‌مان نزدیک می‌کند، هرچند که نرسیده باشیم، سراغشان خواهیم رفت و خواهیم پذیرفت که داشتن تصویری از موفقیت‌هایمان، ما را به آنها خواهد رساند، خواهیم پذیرفت که باید هدفی نقطه‌ای باشد که با دنیا دنیا تلاش نادیده گرفته شده، به تیررسمان برخورد کند و ما را خوشنود سازد. اما چنان که شنیده‌اید، هدف باید مسیر باشد، نه نمره‌ای که پس از رسیدن به آن، تمام شویم و ندانیم که پس از آن، دیگر چه می‌خواهیم یا دیگر چه هستیم، نباید تنها پاس شدن و گذر از خط امتحانات اساتید باشد، باید پیشرفتی ایجاد کند، درسی بیاموزد که اگر جایی سראعی از مفهوم تحصیل پرسیدند، آن را خواندن‌های مکرر و پاس شدن‌های بی‌عاید تلقی نکنیم؛ همه‌چیز برمی‌گردد به چشم‌پسته راه رفتن، چشم بسته درس خواندن، چشم بسته نفس کشیدن.



ما در خواب‌های عمیقی از موفقیت‌های پلاسیده شده غرق شده‌ایم، و آنقدر بختک روی وجودمان افتاده است که توان بیدار شدن و تکان خوردن نداریم، ما ناچاریم به ادامه دادن و این ادامه دادن ادامه دادن، چقدر انرژی می‌طلبید که اگر تنها به نقطه‌ی رسیدن بنگریم، سخت‌تر و سخت‌تر خواهد شد.

درست در مقابل این تفکرات، وجه دیگری از امید، پیش‌رویمان است، پیشرفت‌های چشم‌گیری که دور از دیدرس قرار گرفته‌اند، در خفا تلاش کرده و تنهای صدای رسیدنشان برایمان آشکار شده که چه بسا همان صدا هم به گوشمان نرسیده باشد، پیشرفت‌هایی که گویا از خودشانند و سختی‌نکشیده چیزی را بدست آورده‌اند، اما هیچ چیز به آن راحتی‌ها که می‌پنداریم نیست و بدست آوردن و رسیدن، تنها وجه قابل مشاهده‌ای است که می‌توان آن به نمایش گذاشت، چنان‌که گویی تصورمان اینطور است که این کشور آنقدر روزهای بد به خود دیده که دیگر نیاز به این شور و اشتیاقات ندارد و اصلاً چنین پتانسیلی در خود نمی‌بیند که بخواهد از آن، بدین نحو استفاده کند. ما در صنعت‌های گوناگونی سرمایه‌گذاریم و اکنون از ابرقدرت‌ها هستیم، جایی که خستگی‌ناپذیری ما را به گوش دولت‌های خارجی می‌رساند و توانمندی‌ها را نشان می‌دهد. ایستادگی، صبر و شکیبایی آزموده شده و به مقصد رسیده، در قبال آن جوجه‌رنگی‌هایی که به خوردمان می‌دهند، واقعی‌تر و امیدوار کننده‌تر است. اینکه آدمیانی را شبیه به خودمان داشته باشیم که رسیده باشند، این مسیر صعب العبور موفقیت را طی کرده، موانع را پشت‌سر گذارده و از دل ناامیدی و خستگی‌های ادامه‌داده‌ان، به مسیری که همچنان پیش می‌رود، رسیده باشند.

آن‌ها چه کسانی غیر از ما هستند؟! ما باید ناامیدان آینده‌ساز بشویم که می‌دانند انسان، دشواری وظیفه است.

# روایتی از رستم‌های دستان اقتصاد

امیر دربان لقمانی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی



همیشه یک سوالی در ذهنم از نوجوانی شکل گرفته بود که چگونه می‌شود انسان‌هایی پس از تحمل یک شکست سنگین و از دست دادن تقریباً تمام هستی‌شان دوباره به میدان رقابت برگردند و قفتوس‌وار از خاکستر تجربه‌های سیاه خودشان به آسمان آبی زندگانی پرواز می‌کنند. چگونه و چرا امپراطوری روم پس از سقوط و از دست دادن بخش عظیمی از حکومت خود مجدداً احیا شد. چگونه آلمان، ژاپن و روسیه پس از یک خاموشی ترسناک مجدداً به چرخه‌ی تولید و حیات بازگشتند یا افرادی که در مسیر زندگی شخصی‌شان بیماری‌ها، مشکلات و حوادث تلخی را سپری کردند و بر فروپاشی درونی خودشان غلبه کردند و مجدداً حیاتی نو ساختند و از باتلاق ناامیدی برون رفتند. سوالاتی از این دست باعث شده بود که دیدن، شنیدن و خواندن برخی موارد برای من همیشه جذاب باشند. مستند، داستان و تاریخ که هر کدام از جنبه‌های مخصوص به خود سوال من را تا حدودی پاسخ دادند. این عطش دایمی من برای پاسخ به این سوال در مسیر جدید زندگی‌ام، دانشگاه نیز باقی ماند و سعی کردم با این عینک به تجربیات زیست دانشجویی نگاه کنم.

شوق همیشگی تجلی عملی دروس دوران کارشناسی، من را وادار نمود تا از نزدیک با صنایع مرتبط با رسته‌ام بازدید داشته باشم. با تلاش جمعی از دوستان بسیج دانشجویی، تجربیات خوبی طی سال‌های ۹۷ و ۹۸ در کسب تجربه از بازدیدهای صنعتی، مراکز تولیدی مختلف صنعت مشهود شکل گرفت. هر بازدید، باب جدیدی از مسایل و ایده‌ها را در ذهن من ترسیم می‌کردند و علاوه بر آشنایی بیشتر با هر صنعت، تجهیزات و فرآیندهای آن، زمان عمده هر بازدید به روایت مدیر یا موسس آن مجموعه می‌گذشت. درس‌هایی آموختی و نانوشته از فراز و نشیب‌های کارآفرینی، از زمین خوردن‌های پی‌درپی که ثمر آن بعد از چندین سال، در تعالی هر کدام از این شرکت‌ها بخوبی دیده می‌شد. صحبت‌هایی از جنس درد، رنج و البته امید در میان تاریکی که شوق هر دانشجوی جوانی را در مسیر تحصیلی خود دوچندان می‌کرد. پس از هر بازدید آن روشنایی که میان شکست‌های هر کارآفرین به ما منتقل می‌گردید؛ مثل تزیق خونی جدید برای ادامه‌ی مسیر را برای ما بود. در میان این سال‌ها و بازدیدهای مختلف از مجموعه‌های موفق دانش‌بنیان یک خلا به‌خوبی برای من درک شد و آن عدم انتقال این روایت‌ها و داستان‌ها میان دانشجویان جوان و حتی برخی اساتید بود. این تجربیات که بذر امیدی در میان ایام سخت اقتصادی - اجتماعی بود؛ باعث

شکل‌گیری بارقه‌هایی درون من و سایر دوستان شد که علی‌رغم مشکلات، نامهربانی‌ها و زمین خوردن‌ها می‌توان پیش رفت و به اهداف بلند دست یافت و حتی دستان افتاده دیگری نیز گرفت. تلاقی این مسائل و نگرشات نوجوانی‌ام با تجربیات بازدیدهای صنعتی طی اواخر درگیری با پاندمی کرونا به رویداد «امید فردوسی» منجر شد. رویدادی که در آذر ماه سال ۱۴۰۰ در دانشکده مهندسی به همت بسیج دانشجویی برگزار شد و جمعی از کارآفرینان و اساتید با تجربه‌ی صنعتی، طی دو روز داستان زندگی و کار خود را برای دانشجویان بازگویی کردند. در این رویداد سعی شد؛ علاوه بر پوشش اهدافی مانند آشنایی با صنایع مطرح دانش بنیان استان، انتقال تجارب کارآفرینی و افزایش دغدغه نسبت به مهارت‌افزایی در کنار تحصیل دانشگاهی، به هدف محوری رویداد یعنی امید و انگیزه‌دهی به دانشجویان پرداخته شود. از صنایع دانش بنیانی که حوزه‌های نوین فنی و مهندسی مانند: بهینه‌سازی مصرف انرژی، تولید و پیاده سازی سیستم‌های کنترلی نیروگاهی، سیستم‌های نوین دیجیتال مالی و... در عرصه‌ی ملی و حتی بین‌المللی حرفی برای گفتن دارند دعوت به عمل آمد. روایتی از شروع این شرکت‌های بزرگ فعلی و بیان سختی مسیر طی شده توسط موسسان این شرکت‌ها، پرتوی امیدی بر نقاط تاریک مسیر تحصیلی دانشجویان بود.

سخن آخر، دعوت از همه‌ی دانشجویان دغدغه‌مند به همت برگزاری و شرکت کردن در رویدادهایی مشابه این رویداد، که می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در ایجاد فرهنگ کارآفرینی و افزایش انگیزه و امید نسبت به یادگیری مسیر کارآفرینی در جامعه دانشگاهی و صنعتی ایران مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه، این رویدادها به عنوان یکی از محرک‌های اجتماعی مؤثر در حوزه‌ی توسعه صنایع دانش بنیان، می‌تواند به ارتقای سطح دانش و توانمندی دانشجویان و افزایش رقابت‌پذیری صنایع دانش بنیان در سطح ملی و بین‌المللی کمک کند. این رویداد نه تنها به دانشجویان فرصت می‌دهد تا با صنایع دانش بنیان آشنا شوند، بلکه با ارائه‌ی شاهدان زنده‌ی موفقیت در این حوزه، آنان را به افزایش دغدغه نسبت به مهارت‌افزایی در کنار تحصیل علمی و حل مسایل کشور تشویق کند.

با امید به ساخت آینده‌ی روشن و صعود به قله‌های بلند علمی کشور عزیزان ایران اسلامی

## ایده؟ فاقد اهمیت!

دانشجوی عادی کارشناسی

این روزها دیگر کمتر کسی با داشتن یک مدرک دل‌چسب! کارشناسی یا کارشناسی ارشد، به استخدام‌شدن فکر می‌کند. مباحث و مطالب کارآفرینی، نوآوری، تولید و... هرروز در حال بیشتر شدن است. ادبیاتی که دانشجویان با آنها آشنا اند و دیگر خیلی موضوع گنگ و دور از دسترس نیست.

به نظر شما چگونه می‌توان یک ارزش ایجاد کرد؟ چگونه می‌توان نوآوری خلق کرد؟ چگونه می‌توان کار آفرید؟ (طبیعتاً منظور از کارآفرینی، صرفاً اشتغال‌زایی نیست.) چگونه می‌توان تیم ساخت و تیم را حول یک موضوع واحد قرار داد؟ آن موضوع و عنوان واحد را از کجا بیاییم؟ بارش فکری، نقشه ذهنی، مصاحبه، پژوهش، مشورت و...؟ خب جواب شاید در دوگانه‌ای باشد که به آن در مباحث کارآفرینی می‌پردازند. مسئله یا ایده...!

اگر سری به پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و نوآوری، شتاب‌دهنده‌ها و دیگر نقاط زیست‌بوم فناوری بزنید، اولین سوالی که از شما می‌پرسند این است که؛ ایده شما چیست؟

اما آیا در علم روز و دنیای مدرن نیز سوال اصلی همین است؟ اصلاً علم روز را بیخیال شویم... آیا در کشور و منطقه‌ای که دچار مشکلات ساده و راحت است، باید به ایده‌ها و نقاطی بپردازیم که هیچ تاثیر و فایده‌ای ندارند؟

خب به‌نظر پاسخ به سوالات فوق در عنوان این متن آمده است. ایده؟ فاقد اهمیت! واقعاً هم همین‌طور است. عقل سلیم می‌گوید زمانی که در بعضی مسائل بدیهی مشکل دارید، سراغ حل همان مسائل بروید و ایده‌های خلاقانه خود را خرج همان کنید. حال سوال پیش می‌آید وقتی می‌گوییم مسئله منظورمان دقیقاً چیست؟ مسئله از دغدغه و نیاز می‌آید. آن چیزی که فکر و ذکر ما شده است و شب و روز به آن فکر می‌کنیم. وقتی شرایط حال را می‌بینیم و شرایط ایده‌آل را مد نظر داریم، یک فاصله‌ای میان حال و ایده‌آل مشاهده می‌کنیم که به آن فاصله، مسئله می‌گویند.



چرا درسی می‌خوانیم که فایده‌ای ندارد؟ چرا اصلاً تمایلی به خواندن درس نداریم؟ چرا پایان‌نامه‌ای کار می‌کنیم که در نهایت خوراک بازیافت می‌شود؟ چرا محصولی تولید می‌کنیم که فروش نمی‌رود؟ چرا شرکت می‌زنیم و بعد از مدت کوتاهی با شکست مواجه می‌شویم؟ چرا انگیزه‌های نسبت به درسی که می‌خوانیم، کاری که انجام می‌دهیم و برخی دیگر از نقاط زندگی نداریم؟

چون مسئله ما نیستند! صرفاً یک چراغی در ذهن روشن شده و یک ایده خلاقانه به ذهن مان رسیده است و سراغ ساخت پژوهش و ساخت رفته‌ایم. یک‌بار از خود بپرسیم که این محصول خریدار دارد؟ این مطلب نیاز و مسئله کسی هست؟ اگر این پژوهش و محصول نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر باشد چه تاثیری در زندگی آدم‌ها دارد؟ و از همین دست سوالات...

شاید ایده‌ها به اندازه تعیین و پیدا کردن کلیات مسیر خوب باشد ولی مسافتی که می‌خواهیم در این مسیر طی کنیم به توانایی ما در تعریف مسائل و درک و اجرای آن بستگی دارد. هرچقدر بهتر مسئله و نیاز را کشف کنیم و شفاف‌تر آن را تعریف کنیم، مسیر رسیدن به حل کوتاه‌تر خواهد بود.

بر اساس برداشتی آزاد از مقاله «ایده‌ها مهم نیستند» نوشته هود فلیشمن که در مجله فوربس منتشر گردیده است.

Years Of Ideas Don't Matter.(What I Understand After Innovation) by Hod Fleishman

# شناخته

ایران ۶۲۶



- فصلنامه علمی اجتماعی «ایران ۶۲۶»
- شماره مجوز: ۱۴۰۱۶۵۷
- صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد
- مدیرمسئول: محمد مسعود رضانی
- سردبیر: زینب آقائی
- هیئت تحریریه: خانم‌ها: زینب یوسفی، زهرا سلطانی، فاطمه اصغری - آقایان: سیدمحمد نقیبی، امیرمحمد حسنی، سجاد سمرقندی، امیر دربان لقمانی - ناشناس: دانش‌جوی عادی کارشناسی
- مدیریت ویراستاری: مهلا دربان خالصی، سجاد دنیوی
- صفحه آرا: احمد قربانی پور
- طراح جلد: حجت چوپان نژاد
- طراح لوگو: علی طاهری

